روی موج کوتاه

محسن رضایی:

ترامپ با استخدام تعدادی از اشرار در تنگه قاچاق می‌کند

دبیر شورای‌عالی امنیت ملی گفت: ترامپ با استخدام تعدادی از اشرار که در آب‌های ساحلی عمان فعالیت می‌کنند، به قاچاق روی آورده است. به گزارش ایسنا، محسن رضایی در گفت‌وگویی تلویزیونی با اشاره به ادعای هر روزه ترامپ مبنی بر باز بودن تنگه هرمز گفت: به او می‌گویم: شما در حال قاچاق هستید، اما تنگه تحت کنترل ایران است و ما آن را مدیریت می‌کنیم. وی تاکید کرد: «فرمانده سنتکام کارهای قاچاق را رهبری می‌کند و او همچنین از ارتش امارات استفاده می‌کند. آن‌ها از ۵ یا ۶ شناور کوچک برای انتقال نفت به نفتکش‌های بزرگ‌تر استفاده می‌کنند، اما ما نیز هر شب ۵ یا ۶ فروند از آن‌ها را هدف قرار می‌دهیم.»

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی:

سلاح هسته‌ای، کاخ سفید را به پودر سیاه تبدیل می‌کند

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی گفت: استفاده از سلاح هسته‌ای هم که ترامپ تهدید آن را دائما بصورت تلویحی مطرح می کند، خطایی است که مرتکب آن، نه تنها خاک آمریکا بلکه کاخ سفید، سیاست و آینده آمریکا را به پودر سیاه شبیه قارچی که روبه تلاشی است تبدیل خواهد کرد! به گزارش تسنیم، عباس مقتدایی در شبکه ایکس، نوشت: آمریکا که روزگاری عادت کرده بود بگوید: «همه گزینه‌ها روی میز است»! اکنون که همه گزینه‌ها را رو کرد و پیروز نشد، دیگر هیچ گزینه‌ی دارای کارکردی در اختیار ندارد.»

معاون ارتش:

لازم باشد، باز هم شناورهای «دشمن» ضربه خواهیم زد

معاون هماهنگ کننده ارتش، گفت: ما دست و پا بسته نیستیم و امکانات و توانمندی‌هایی داریم که در دنیا بانزد است. حبیب‌الله سیاری، افزود: محکم دفاع کردیم و می کنیم، لازم باشد باز هم به شناورهای دشمن ضربه می‌زنیم. وی ادامه داد: ما به شناورهای دشمن ضربه‌هایی زده‌ایم که اگر باز هم علیه ایران اتفاقی بیافتد، به آنها ضربه خواهیم زد.

دبیر کل حزب کارگزاران:

برای مردم، راه کم‌هزینه اما فوق‌العاده سخت، اصلاح جمهوری اسلامی است

دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی، گفت: راه کم‌هزینه برای مردم ومنافع ایران، اصلاح جمهوری اسلامی است. هرچند این کار فوق‌العاده سخت است و اصلاً کار ساده‌ای نیست، اما وظیفه ماست. به گزارش عصر ایران، حسین مرعشی در نشست دبیران اول استان‌های این حزب افزود: در سال ۱۳۵۶ ایران ۹ درصد بازار جهانی نفت را در اختیار داشت ولی این سهم امروز به ۳/۵ درصد تقلیل یافته است. به گفته وی، عدم‌النفع کاهش سهم ایران در بازار نفت تا امروز ۴ هزار میلیارد دلار است.

زارعی:

اسرائیل را شخم می‌زنیم و در آن گندم می‌کاریم

یک نماینده مجلس، وعده داد که: اسرائیل را شخم می‌زنیم و در آن گندم می کاریم! به گزارش دیدبان ایران؛ مجتبی زارعی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «کار اسراییل جنایتکار و آمریکای متجاوز سخت‌تر شد؛ امروز میزبان وزیر پیشنهادی دفاع در کمیسیون امنیت ملّی بودیم؛ بیش از ۴۰ سال در وزارت دفاع روی موشک متمرکز بود؛ کنار حاج حسن آقاتهرانی مقدم و حاجی زاده بود با سید مجید در کار موشک رفیق است؛ اسرائیل را شخم می‌زنیم و در آن گندم می کاریم.»

قالیباف و سه مقام ارشد ایران در لیست ترور اسرائیل

یک رسانه اسرائیلی از حضور قالیباف و سه مقام ارشد ایرانی دیگر در لیست ترور اسرائیل خبر داد. به گزارش تابناک، رسانه عبری ۱۰۰ در خبری اعلام کرد قالیباف و ۳ مقام ارشد ایران در فهرست اهداف اسرائیل در طول جنگ ۴۰ روزه قرار داشتند، اما تلاش‌ها برای هدف قرار دادن آن‌ها با شکست مواجه شد.

کمالوندی:

منافع‌مان را یا با دیپلماسی می‌گیریم یا با نبرد

سخنگوی سازمان انرژی گفت: منافع کشور اگر در وضعیت دیپلماسی به دست بیاید چه بهتر اگر نه با قدرت و قوت در صحنه‌های نبرد به دست خواهد آمد. بهروز کمالوندی در جمع خبرنگاران افزود: منافع کشور اگر در وضعیت دیپلماسی به دست بیاید چه بهتر اگر نه با قدرت و قوت در صحنه‌های نبرد به دست خواهد آمد.

معاریو به نقل از منبع نظامی اسرائیلی:

نتانیاهو احتمال حمله به ایران را رد نمی‌کند

یک مقام نظامی اسرائیل با بیان اینکه بنیامین نتانیاهو، گزینه حمله به ایران را رد نکرده، گفت که اسرائیل تدارکات گسترده‌ای برای احتمال تشدید تنش با ایران یا وقوع یک رویارویی تمام‌عیار انجام داده است، هرچند ارتش اسرائیل در حال حاضر برای انجام حمله پیش دستانه علیه ایران آماده نمی‌شود. به گزارش فرارو به نقل از معاریو، این مقام در ادامه افزود: مواضع ایالات متحده دائماً در حال تغییر است. گاهی به نظر می‌رسد واشنگتن به سمت حمله پیش می‌رود، اما سپس دونالد ترامپ اعلام می کند که پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای (که برای ۳ نوامبر برنامه‌ریزی شده است) به ایران حمله نخواهد کرد. ترامپ پیش‌تر با طرح اینکه ایالات متحده پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای به ایران حمله نخواهد کرد، گفته بود که واشنگتن مشغول «مذاکرات سازنده» با تهران است.

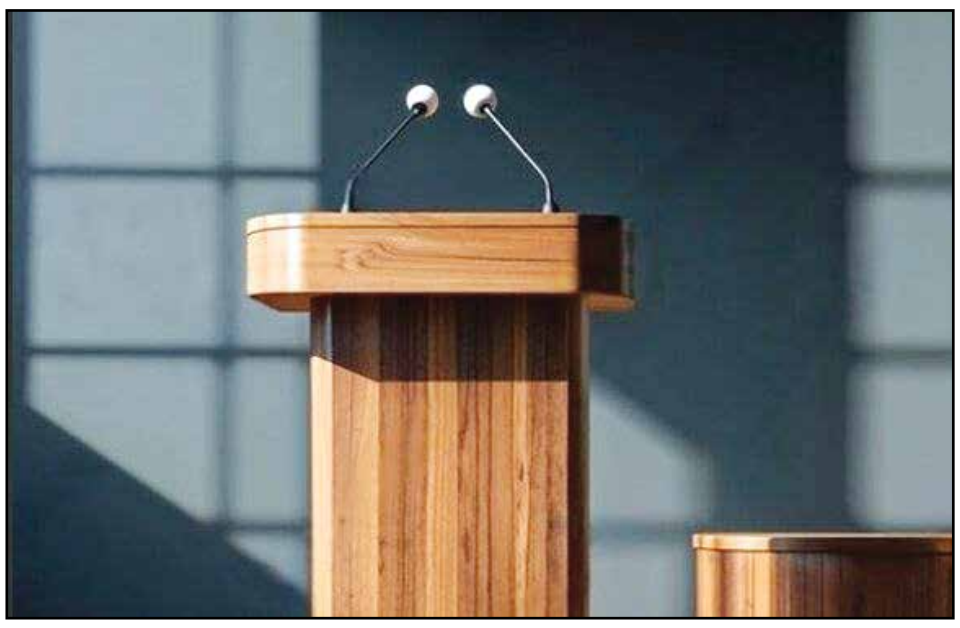
وکیل مرتبط با اعدام علیرضا سپاهی بازداشت شد

امیرسالار داوودی، وکیلی که شب پیش از اعدام علیرضا سپاهی خطبه عقد او را خوانده بود بازداشت شد. امیرسالار داوودی، وکیل دادگستری که چند روز پیش خطبه عقد علیرضا سپاهی، معترض محکوم به اعدام، و مهشاد کشانی، زندانی سیاسی، را جاری کرده بود، صبح یکشنبه ۱۹ مهر در دادگاه انقلاب اصفهان بازداشت شد. به گزارش خبرنامه‌ها، داوودی هنگام حضور در دادگاه انقلاب اصفهان، در حالی که مشغول دفاع از موکلش مهشاد کشانی بود، با مراجعه دو مأمور لباس شخصی مواجه شد. مأموران به او اعلام کردند که محمدرضا توکلی، رئیس شعبه رئیس مجتمع دادگاه انقلاب، با او کار دارد و باید به دفتر وی مراجعه کند. وی پس از مراجعه به دفتر توکلی دیگر بازنگشت و پیگیری‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که برای این وکیل در شعبه ۱۵ پرونده جدیدی تشکیل شده و قرار بازداشت او نیز صادر شده است.

وقتی امثال «سراج» مدعی سخنگویی ۹۰ درصد جامعه می‌شوند؛

عصر سخنگویان خودخوانده؛ آمارهای خیالی!

طهمورث گیلانی



در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران، واژه «مردم» همواره پرکاربردترین و در عین حال مظلوم‌ترین واژه‌ای است که در ادبیات مسئولان، نمایندگان و خطیبان به کار گرفته می‌شود. در روزهای اخیر، موج جدیدی از اظهارنظرهای مقامات رسمی و نمایندگان مجلس به راه افتاده است که در آن، گویندگان با اطمینانی وصف‌ناپذیر، خود را سخنگوی اکثریت قاطع جامعه معرفی کرده و بر اساس آمارهایی که منبع و مرجع علمی آن‌ها هرگز روشن نیست، نسخه‌های سیاسی و اجتماعی می‌پیچند. باید به بررسی این پرسش بپردازیم که چگونه برخی چهره‌های سیاسی، بدون استناد به نظرسنجی‌های معتبر، مطالبات شخصی یا جناحی خود را به عنوان «خواست عمومی ملت» فاکتور می‌کنند و در این مسیر، حتی از تهدید بخشی از جامعه نیز ابایی ندارند.

یکی از تازه‌ترین نمونه‌های این نوع برخورد، اظهارات محمد سراج، نماینده تهران و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس دوازدهم است. او در گفت‌وگو با دیده‌بان، با انتقاد از مواضع عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و مسعود پزشکیان در سفر به نیویورک، مدعی شد که اکثریت مطلق جامعه خواهان رویه‌ای متفاوت هستند. سراج در این مصاحبه بیان کرد: «قطعاً اگر توجیه روشنی در خصوص صحبت‌های خود نداشته باشند، خلاف خواست عمومی ملت ایران است. به دلیل حتماً باید پاسخگو باشند. اگر در واقع دلیل قانع‌کننده نداشته باشند یا احیاناً نظر شخصی‌شان را داده باشند، موضوع متفاوت است؛ اما به عنوان نماینده حاکمیت، به عنوان وزیر خارجه و به عنوان مسئول نظام جمهوری اسلامی، اگر حرف ملت ایران را می‌خواست بزند، باید در واقع این ملاحظه را نگه می‌داشت که ملت ایران یک‌صدا خواستار انتقام هستند.»

استفاده ابزاری از واژه «مردم» و ارائه آمارهای فاقد مرجع علمی، نظیر ادعای «مطالبه ۹۰ درصدی ملت برای انتقام» توسط برخی نمایندگان، نشان‌دهنده شکافی عمیق میان ذهنیت بخشی از حاکمیت و واقعیت‌های متکثر جامعه است. این نوع «مردم‌خوانیِ جناحی» که مطالبات شخصی را به‌عنوان خواست عمومی فاکتور می‌کند، نه تنها به شفافیت سیاسی کمک نمی‌کند، بلکه با نادیده گرفتن تنوع افکار عمومی، مقدمات سلب اعتماد جامعه از نهادهای رسمی را فراهم می‌سازد

وقتی ۹۰ درصد «قانون» می‌شود

این نماینده مجلس در ادامه سخنان خود به عددی اشاره کرد که تعجب بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران حوزه افکارسنجی را به همراه داشته است. او مدعی شد افرادی که مقلد مقام رهبری و ارادتمندانشان هستند و به تبع آن دنبال انتقام‌اند، اکثریت قاطع کشور را تشکیل می‌دهند. سراج با قاطعیت اعلام کرد: «این موضوع، در واقع انتقام همه آنهایی که مقلد مقام رهبری‌اند، همه آنهایی که در نظام ولایت‌فقیه تحت‌امر ایشان بودند و همه آن‌هایی که ارادتمند آن حضرت هستند، دنبال انتقام‌اند. این افراد ۹۰ درصد ملت ایران هستند که خواستار انتقام و این مقامات موظف بودند حرف ملت ایران را بزنند.» این ادعا در حالی مطرح می‌شود که مشخص نیست این آمار ۹۰ درصدی بر اساس کدام پیمایش میدانی، مرکز افکارسنجی معتبر یا رفراندوم استخراج شده است.

سراج همچنین با اشاره به مواضع صریح در این حوزه تاکید کرد: «امروز این {انتقام} قانون است و کسی نباید از آن کوتاه بیاید. در حال حاضر موضوع وزیر امور خارجه مطرح است بنابراین باید پس از شنیدن توضیح ایشان تصمیم بگیریم.» این نوع رویکرد که در آن یک نماینده مجلس، قرائت خود از سیاست خارجی و امنیت ملی را به کل ملت تعمیم می‌دهد و مخالفان این نگاه را خارج از دایره «ملت» فرض می‌کند، نشان‌دهنده شکافی عمیق میان واقعیت‌های متکثر جامعه و ذهنیت بخشی از حاکمیت است.

تریبون‌های جمعه

بخش دیگری از این پدیده را باید در خطبه‌های نماز جمعه و تریبون‌های مذهبی جست‌وجو کرد؛ جایی که برخی ائمه جمعه نه‌تنها از جانب مردم سخن می‌گویند، بلکه گاهی بخشی از همین مردم را با ادبیاتی تند تهدید می‌کنند. رسول فلاحتی، امام جمعه رشت در اظهاراتی تامل‌برانگیز، با مخاطب قرار دادن کسانی که پوشش متفاوتی را برگزیده‌اند، از واژگانی استفاده کرد که بوی تقابل اجتماعی می‌داد. او با بیان اینکه قرآن به صراحت به لزوم حجاب تاکید دارد، خطاب به بی‌حجابان گفت: «ای بی‌حجابان، شرمتان باد؛ اگر این مردم تصمیم بگیرند، دمار از روزگار بی‌حجاب‌ها درمی‌آورند.» این نوع ادبیات که «مردم» را در مقابل بخشی دیگر از «جامعه» قرار می‌دهد، در حالی مطرح می‌شود که وظیفه تریبون‌های رسمی، دعوت به وحدت، جذب حداکثری و ایجاد آرامش در فضای ملتهب کنونی است.

۲۸ شهریورماه امام جمعه دزفول نیز در اظهاراتی که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی و رسانه‌ها داشت، به سبک زندگی بخشی از جوانان تاخت. او با ورود به جزئی‌ترین مسائل خصوصی شهروندان، مدعی شد: «دختری که تا پاسی از شب در کافه‌ها وقت می‌گذراند، نمی‌تواند مادر خوبی یا همسر خوبی باشد.» این قضاوت‌های کلی و تعمیم دادن رفتارهای فردی به صلاحیت‌های اخلاقی و خانوادگی، نمونه دیگری از تلاش برای تحمیل یک الگوی زیست خاص به نام ارزش‌های عمومی است. این سخنان در شرایطی مطرح می‌شود که جامعه ایران با بحران‌های متعددی از جمله تورم، بیکاری و ناامیدی نسبت به آینده دست و پنجه نرم می‌کند و ورود به چنین حواشی‌ای، تنها به خشم اجتماعی دامن می‌زند.

حجاب و استانداردهای دوگانه؛ امنیت یا سیاست؟

در همین راستا، محمد سعیدی، امام جمعه قم نیز در خطبه‌های خود، کشف حجاب را «حرام شرعی و سیاسی» خواند و خواستار برخورد قاطع قانونی و امنیتی شد. او این موضوع را مستقیماً به حوزه امنیت ملی پیوند زد و آن را بخشی از پروژه دشمن برای تخریب فرهنگی دانست. اما مسئله مهم اینجاست که برخورد امنیتی با پدیده‌های اجتماعی، در جامعه‌ای که تجربه‌های تلخی را پشت سر گذاشته، می‌تواند پیامدهایی فراتر از حوزه فرهنگ داشته باشد. تبدیل یک اختلاف سلیقه در پوشش به یک منازعه امنیتی، مرزهای میان دولت و ملت را کمرنگ کرده و اعتماد عمومی را که سرمایه اصلی هر نظامی است، به شدت فرسایش می‌دهد.

از سوی دیگر، سیداحمد خاتمی در تهران، رویکردی را به نمایش گذاشت که برخی آن را «استاندارد دوگانه» توصیف کرده‌اند. او ضمن تاکید بر اینکه نظام حامی بی‌حجابی نیست، تصریح کرد: «زنانی که در تجمعات سیاسی شرکت می‌کنند، حتی اگر حجاب رسمی را رعایت نکنند، حضورشان در این تجمعات کار خوبی است.» این تناقض در برخورد با شهروندان بر اساس میزان همسویی سیاسی آن‌ها، پرسش‌های جدی را در افکار عمومی ایجاد کرده است. آیا حجاب یک قانون لایتغیر است یا ابزاری برای سنجش وفاداری سیاسی؟ این نوع برخوردها نشان می‌دهد که تعریف «مردم» در نگاه برخی مسئولان، تنها شامل کسانی است که در چارچوب‌های رسمی حرکت می‌کنند. شاید به همین دلیل باشد که عزت‌الله ضرغامی در گفت‌وگوی اخیری که از او منتشر شده است می‌گوید: «برخی خطبه‌های امام جمعه‌ها ارزش شنیدن ندارند و باعث گمراهی مردم می‌شوند» حتی محمدرضا باهنر نیز به برخی اظهار نظرها از سوی تریبون‌داران نماز جمعه انتقاد کرده است و می‌گوید: «امام جمعه فلان شهرستان کرمان می‌گوید چرا دارید مذاکره می‌کنید؟ تو نه ته مذاکره را می‌دانی یا سر آن را که اظهارنظر می‌کنی؟ یا برخی در میادین داد میزنن که مذاکره نداریم! بیخورد کردید که مذاکره نداریم، مذاکره ادامه جنگ است و نتیجه جنگ در مذاکره مشخص می‌شود.»

تبدیل تریبون‌های عمومی به محلی برای «تهدید به دمار درآوردن از روزگار شهروندان» یا قضاوت درباره صلاحیت‌های اخلاقی زنان بر اساس سبک زندگی، امنیت‌روانی جامعه را در شرایط حساس کنونی به مخاطره می‌اندازد. زمانی که بخشی از مسئولان خود را سخنگوی انحصاری ارزش‌ها دانسته و نیمی از جامعه را با ادبیات قهری مخاطب قرار می‌دهند، عملاً مفهوم «وحدت ملی» را به یک دوقطبی‌سازی خطرناک تقلیل می‌دهند که پیامد آن چیزی جز فرسایش سرمایه اجتماعی نخواهد بود

نقد «سخنگویی خودخوانده» و ضرورت اصلاحات اساسی

در واکنش به این موج از کلی‌گویی‌ها و آمارسازی‌های خودخوانده، برخی فعالان سیاسی و نخبگان نسبت به پیامدهای سلب اعتماد عمومی هشدار می‌دهند. احمد حکیمی‌پور، دبیر کل حزب اراده ملت، در گفت‌وگو با ایسنا از کسانی انتقاد کرد که خود را سخنگوی مردم می‌نامند در حالی که جایگاه قانونی یا پایگاه اجتماعی مشخصی برای این ادعا ندارند. او اظهار کرد: «افرادی هستند که به نام مردم اهدافشان را دنبال و خود را سخنگوی مردم معرفی می‌کنند؛ در حالی که مردم نمی‌دانند آنان بر چه اساس چنین جایگاهی برای خود قائل شده‌اند. نمی‌توان برای مردم تعیین تکلیف کرد. رهبری نیز بر این موضوع تأکید داشته‌اند که مردم، خود از بصیرت برخوردارند و شرایط را درک می‌کنند. بنابراین باید مردم را هوشیار کرد و نسبت به افرادی که از طرف مردم سخن می‌گویند و خود را نماینده افکار عمومی می‌دانند، حساس بود و مشخص کرد این افراد بر چه اساسی چنین جایگاهی برای خود قائل شده‌اند.»

گسست ذهنی مسئولان از سفره مردم

این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که حتی در حوزه‌های اقتصادی و رفاهی نیز آمارهای عجیبی ارائه می‌شود. محمدحسن قدیری ابیانه، دیپلمات سابق، در اظهاراتی که توسط رسانه‌ها منتشر شد، ضمن اذعان به کاهش قدرت خرید مردم، مدعی شد: «زندگی در ایران از اروپا بهتر است. حتی اگر حقوق لازم برای زندگی دونفره ۱۰۰ میلیون تومان باشد، نمی‌توان چنین مبلغی به کارمندان پرداخت کرد.» این نوع سخن گفتن با مردمی که زیر بار تورم کمر خم کرده‌اند، نشان‌دهنده گسست ذهنی عمیق میان مسئولان و واقعیت‌های عینی زندگی مردم است. وقتی یک مسئول از رفاهی سخن می‌گوید که مردم در سفره خود حس نمی‌کنند، اعتبار کل سیستم اطلاع‌رسانی زیر سوال می‌رود.

علاوه بر این، رویکرد رسانه ملی نیز در قبال «مردم» و هنرمندان بازگشته به کشور، مورد نقد جدی است. صداوسیما در گزارشی درباره بازگشت برخی هنرمندان خارج از کشور، خواستار محاکمه آن‌ها شد و تاکید کرد: «بازگشت بدون هزینه آن‌ها توجیه عقلانی دارد؟» این در حالی است که دولت همواره بر تسهیل بازگشت ایرانیان تاکید دارد. این تضاد میان نهادهای مختلف حاکمیتی در برخورد با شهروندان، باعث سردرگمی جامعه و تقویت این حس می‌شود که بخشی از قدرت، اساساً تمایلی به آشتی ملی و انسجام اجتماعی ندارد.

ضرورت بازگشت به واقعیت‌های اجتماعی

به نظر می‌رسد که جامعه ایران در نقطه‌ای قرار دارد که نیاز به یک «اصلاحات اساسی» در نحوه حکمرانی و تعامل با افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. نمایندگانی که با آرای حداقلی به مجلس راه یافته‌اند، نمی‌توانند مدعی سخنگویی ۹۰ درصد مردم باشند. خطیبانی که نیمی از جامعه را تهدید به «دمار درآوردن» می‌کنند، نمی‌توانند منادی وحدت باشند. عبور از «آمارهای خودساخته» و بازگشت به واقعیت‌های متکثر کوچه و خیابان، نخستین گام برای ترمیم رابطه‌ای است که به واسطه کلی‌گویی‌های بی‌اساس دچار خدشه شده است. تا زمانی که مرجع آمارهای «خواست مردم» شفاف نشود و تریبون‌ها به جای تهدید، به محلی برای شنیدن صدای واقعی ملت تبدیل نشوند، شکاف میان «مردم بخشنامه‌ای» و «مردم واقعی» عمیق‌تر خواهد شد.

گزارش‌های میدانی و تحلیل‌های کارشناسی نشان می‌دهد که اولویت امروز مردم، نه انتقام‌های جناحی و نه برخوردهای قهری با پوشش، بلکه ثبات اقتصادی، امنیت روانی و حق انتخاب در سبک زندگی است. نادیده گرفتن این مطالبات زیر پوشش آمارهای ساختگی، تنها به انزوای بیشتر جریان‌های تندرو منجر خواهد شد. ایران امروز نیازمند شنیدن صدای همه اقشار است، نه فقط کسانی که در صف اول تجمعات رسمی می‌ایستند. اصلاح این روند، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای بقای سرمایه اجتماعی و انسجام ملی در برابر تهدیدات خارجی است. مسئولان باید بدانند که «مردم» یک توده یک‌دست و مطیع نیستند، بلکه مجموعه‌ای از اراده‌ها، سلیقه‌ها و مطالبی هستند که باید در سیاست‌گذاری‌های کلان دیده شوند.

گفت و گو

کارشناس مسائل بین‌الملل:

احتمال ازسرگیری درگیری را باید جدی‌تر از توافق دانست

یک کارشناس مسائل بین‌الملل، با اشاره به تداوم اختلافات ایران و آمریکا بر سر تنگه هرمز، محاصره دریایی و شروط هسته‌ای، گفت: تا زمانی که نشانه‌های عینی از کاهش تنش و پیشرفت ملموس در مذاکرات دیده نشود، نباید سناریوی بازگشت به جنگ را بعید دانست.

احسان موحدیان در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در پاسخ به این سوال که یوری اوشاکوف، دستیار پوتین، پس از گفت‌وگوی تلفنی پوتین و ترامپ اعلام کرده که مسکو از ادامه گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا با مشارکت قطر حمایت می‌کند. با توجه به اینکه روسیه هم‌زمان در حال مذاکره با واشنگتن درباره مسائل اقتصادی و انرژی است، چه تضمینی وجود دارد که پرونده ایران به ابزاری برای چانه‌زنی مسکو با آمریکا تبدیل نشود؟ گفت: روسیه در حالی از تداوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا با میانجی‌گری قطر حمایت می‌کند که هم‌زمان خود در حال مذاکره با واشنگتن بر سر مسائل اقتصادی و انرژی است. این هم‌زمانی، نگرانی‌ای جدی درباره احتمال استفاده ابزاری مسکو از پرونده ایران به‌عنوان برگ برنده در چانه‌زنی با آمریکا ایجاد می‌کند.

یک حادثه کوچک در تنگه هرمز می‌تواند به درگیری تمام‌عیار منجر شود

وی در پاسخ به این سوال که با وجود انتقال پیام‌های تهران از سوی مسکو و ادامه میانجی‌گری قطر، اختلاف‌ها بر سر تنگه هرمز، محاصره دریایی و شروط هسته‌ای همچنان حل نشده است. از نظر شما، چه نشانه‌های عملی می‌تواند مشخص کند که طرفین به توافق نزدیک شده‌اند یا صرفاً در حال خریدن زمان برای بازسازی توان نظامی و افزایش فشار بر یکدیگر هستند؟ آیا باید احتمال ازسرگیری درگیری را جدی‌تر از احتمال توافق در نظر گرفت، گفت: با وجود انتقال پیام‌های تهران از سوی مسکو و ادامه میانجی‌گری قطر، اختلاف‌ها بر سر تنگه هرمز، محاصره دریایی و شروط هسته‌ای همچنان حل‌نشده باقی مانده است. یکی از نشانه‌های عملی نزدیک شدن به توافق، کاهش تنش‌های میدانی مانند توقف حملات به شناورهای تجاری در تنگه هرمز و کاهش محاصره دریایی است. نشانه دیگر، پیشرفت در مذاکرات فنی میان کارشناسان دو طرف بر سر جزئیات لغو تحریم‌ها و نحوه راستی‌آزمایی از تعهدات هسته‌ای خواهد بود. همچنین، اگر طرفین به توافقی در مورد بازه زمانی مشخص برای اجرای تعهدات دست پیدا کنند، می‌توان آن را نشانه‌ای از جدیت در مسیر توافق دانست.

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: در مقابل، اگر مذاکرات در سطح کلیات باقی بماند و هیچ اقدام عملیاتی در زمینه کاهش محاصره یا توقف شهرک‌سازی‌ها در مناطق حساس مشاهده نشود، احتمالاً طرفین در حال خریدن زمان هستند. برخی تحلیل‌گران معتقدند که تهران از روند گفت‌وگوها برای بهبود وضعیت اقتصادی و بازسازی توان نظامی خود استفاده می‌کند و واشنگتن نیز از این زمان برای افزایش فشار و آماده‌سازی گزینه‌های نظامی بهره می‌برد. ارزیابی غالب در محافل امنیتی ایران نیز بر این فرض استوار است که امریکا با حسن نیت برخورد نکرده و صرفاً در پی خرید زمان است. نتانیاهو که شانس کمتری برای ادامه نخست وزیری دارد با به راه انداختن جنگ به دنبال تعویق انتخابات پارلمانی و ترامپ با اقدامی مشابه به دنبال ضربه‌ای به ایران برای اعلام پیروزی و موفقیت در انتخابات است.



موحدیان گفت: با توجه به شرایط فعلی، احتمال ازسرگیری درگیری را باید جدی‌تر از احتمال توافق در نظر گرفت. منابع خبری از بررسی گزینه‌های نظامی گسترده توسط تیم امنیت ملی ترامپ خبر می‌دهند و همزمان مقامات ایرانی نیز از احتمال بیشتر درگیری نسبت به دستیابی به توافق سخن گفته‌اند. تجربه نشان داده است که در چنین فضایی، یک حادثه کوچک در تنگه هرمز یا یک حمله محدود می‌تواند به سرعت به یک درگیری تمام‌عیار تبدیل شود. بنابراین، تا زمانی که نشانه‌های عینی از کاهش تنش و پیشرفت ملموس در مذاکرات دیده نشود، سناریوی بازگشت به جنگ را نباید بعید دانست.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس:

محال است تنگه هرمز تا تحقق شروط ایران باز شود

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تاکید کرد: اعمال مدیریت ایرانی بر تنگه هرمز روز به روز مستحکم‌تر از قبل است و تا تحقق شرایط اعلامی ایران محال است تنگه هرمز باز شود. حسن قشقاوی صبح یکشنبه در جمع تعدادی از معاونین و هادیان سیاسی نیروی انتظامی سراسر کشور، گفت: حداقل بیش از ۷۰ درصد اخبار و تحلیل‌های تولیدی دشمن در زمان جنگ، غیر واقعی و دروغ است و در چارچوب جنگ شناختی و یا روانی قرار می‌گیرد. وی ادامه داد: مانند ادعاهای متناقض تروث سوشال ترامپ که همگی گمراه‌کننده، آشفته و گیج‌کننده است؛ این ادعاها معمولا در خدمت جنگ روانی دشمن برای جبران ناکامی روزافزون و محبوبیت رو به زوال ترامپ و حزبش در آستانه انتخابات قرار می‌گیرد. قشقاوی ادامه داد: باعث تاسف است که هر فرد یا رسانه‌ای در داخل یا خارج از کشور همین ادعاهای فیک را جدی فرض کرده و بخواهد آن را مبنای تحلیل یا تصمیم آتی قرار دهد. وی در پایان گفت: موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران هم در بین مردم و صاحبنظران و هم نزد مسئولان روز به روز قوت بیشتری می‌گیرد.



بسنت:

با ترکیه و پاکستان برای قطع مسیرهای زمینی تجارت ایران همکاری می‌کنیم

وزیر خزانه‌داری آمریکا، از همکاری واشنگتن با ترکیه و پاکستان برای مسدود کردن مسیرهای زمینی تجارت ایران خبر داد و گفت: ایالات متحده در چارچوب کارزار فشار حداکثری علیه تهران، احتمال توقیف حدود یک میلیارد دلار دارایی رمزارزی ایران را نیز بررسی می‌کند. به گزارش انتخاب، ترکیه تودی نوشت: ایالات متحده در چارچوب آنچه اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، «کارزار انزوای مطلق» علیه تهران خوانده است، با ترکیه و پاکستان برای مسدود کردن مسیرهای تجارت زمینی ایران همکاری می‌کند. او همچنین گفت واشنگتن ممکن است حدود یک میلیارد دلار دارایی رمزارزی ایران را توقیف کند. اسکات بسنت در مصاحبه‌ای با گرتاون ساستر در شبکه نیوزمکس در واشنگتن ادعا کرد: «امارات متحده عربی شریک خوبی بوده است. عمان شریک خوبی بوده است. ما با پاکستان و ترکیه همکاری می‌کنیم تا همه مسیرهای زمینی را قطع کنیم.» ترکیه و پاکستان که هر دو با ایران هم‌مرز هستند، گذرگاه‌های زمینی مهمی برای تجارت ایران به شمار می‌روند. همکاری این دو کشور با واشنگتن می‌تواند محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکا را به مسیرهای زمینی نیز گسترش دهد. آنکارا و اسلام‌آباد تاکنون درباره اظهارات بسنت اظهارنظری نکرده‌اند.

